

کشکوئیه در انقلاب

غلامرضایی

مقدمه:

انقلاب اسلامی از جمله رخدادهایی است که به دلایل عمق اثراتی که بر تحولات تاریخی ایران، دنیای اسلام و سایر نقاط جهان گذاشته است نمی‌توان در مورد آن سکوت کرد و از پرداختن به آن طفره رفت. برای داوری منصفانه پیرامون عظمت این انقلاب باید همه‌ی جوانب و زوایای آن انگیزه‌ها و آرمان‌ها و جانفشانی‌هایی که برای پیروزی انقلاب به وقوع پیوست دقیقاً شناسایی کرد تا از عهده‌ی تحلیل و تبیین انقلاب اسلامی بر آمد.

تبیین انقلاب اسلامی بدون مراجعه به عمق رخدادهایی که به وقوع پیوست ممکن نیست. عمق انقلاب اسلامی را نمی‌توان تنها با مراجعه به وقایع به جانفشانی‌ها، آرمان‌ها و انگیزه‌ها و شعارهای چند شهر بزرگ به دست آورد. همان‌طوری که امام عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی فرمودند، انقلاب اسلامی انقلاب مردمی بود. انقلاب طبقه، گروه و قشر خاصی از جامعه نبود تا با تحلیل این گروه و قشر خاص به شناخت آن نائل آییم.

روایت‌هایی که در پی خواهد آمد یکی از هزاران روایت‌هایی است که نشان می‌دهد چگونه اثرات نفس قدسی یک پیر روشن ضمیر از فرسنگ‌ها فاصله جامعه‌ای را با همه‌ی ارکان شهری

و روستاییش دگرگون می‌کند. به گونه‌ای که حتی شعارها و آرمان‌های ساده‌ترین نوع تجمع سیاسی در سنتی‌ترین بافت این جامعه با پیچیده‌ترین نوع مشارکت سیاسی در مدرن‌ترین بافت این جامعه همساز می‌شود.

یکی از خصلت‌های استثنایی انقلاب اسلامی آن است که ساخت آرمان‌ها و انگیزه‌ها، خواسته‌ها و شعارهای آن در دورترین نقطه‌ی ایران در ساده‌ترین نوع زندگی اجتماعی با آرمان‌ها، انگیزه‌ها، خواسته‌ها و شعارهای آن در پایتخت و شهرهای بزرگ که دارای زندگی پیچیده‌ی شهری هستند، تفاوت چندانی ندارد، یکسان است. در تاریخ سیاسی هیچ انقلاب بزرگ اجتماعی وجود ندارد که این چنین آرمانی در آن وجود داشته باشد.

اگر چه روایت‌های حاضر روایت‌های دردمندانه‌ی مردم کشکوئیه به عنوان یکی از دور افتاده‌ترین نقاط ایران از انقلاب اسلامی است اما به جرأت می‌توان گفت که روایت همه‌ی مردم ایران در همه‌ی نقاط از انقلاب است. با کشکوئیه می‌توان عظمت انقلاب اسلامی را تحلیل کرد. همان‌طوری که می‌توان عمق خصلت ضد مردمی رژیم شاهنشاهی را نیز تحلیل کرد. روایت مردم کشکوئیه از آرمان‌های انقلاب ساده و بی‌آلایش است. از پیچیدگی‌های لفاظی تحلیل‌گران سیاسی به دور است اما روایت انقلابی و سطح تحلیل این مردم از انقلاب اسلامی به مراتب از سطح تحلیل نخبگان سیاسی عمیق‌تر است. مردم کشکوئیه مانند همه‌ی مردم ایران انقلاب اسلامی را با همه‌ی آرمان‌هایش درک کردند و بر اساس همین درک عمیق بود که هم در دوران رنج زندان، شکنجه، تبعید، کتک خوردن، فحش شنیدن، مال و دارایی خود را از دست دادن و بسیاری از مصائب را به جان خریدند و هم در طول حاکمیت جمهوری اسلامی با تمام توان از آرمان‌های انقلاب اسلامی دفاع کردند.

ایثار و فداکاری در هر جامعه‌ای ناشی از احساسات نیست ناشی از شناخت اسلام است. احساسات تا جایی به مددشان می‌آید که در آن منطبق از دست رفتن جان و مال مطرح نباشد. اما آنهایی که با جان و مال خود بر سر پیمان آرمان‌های خود هستند آنها از شناختی عمیق برخوردارند که با محاسبات مادی و تحلیل‌های سطحی نمی‌توان به این شناخت دست یافت.

روایت مردم کشکوئیه از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و ولایت فقیه چنین روایتی است. شاید اگر پاره‌ای از نخبگان سیاسی و فکری این مملکت به جای جستجو در میان نظریه‌های کلیشه‌ای تحلیل انقلاب اسلامی در سطح متون و رسانه‌ها (که عمدتاً تحت تأثیر روایت‌های غربی است) به عمق جامعه‌ی ایران در شهرهای دور و نزدیک و حتی روستاها رجوع

می‌کردند، از عهده‌ی تبیین و درک عظمت انقلاب اسلامی بهتر برمی‌آمدند و شاید اگر کارگزاران نظام جمهوری اسلامی که به برکت چنین مردمی اکنون در رأس تصمیم‌گیری‌های سیاسی، انقلابی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارند به آرمان‌ها، خواسته‌ها و انگیزه‌های ساده و بی‌آلایش چنین مردمی نظر می‌کردند اوضاع مملکت ما به مراتب بهتر از آنچه که امروز هست می‌بود.

نمی‌دانیم آیا با خواندن این روایت‌ها هم کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی و هم تحلیل‌گران و نخبگان فکری و سیاسی این مملکت به خود خواهند آمد یا نه؟! اما یقین داریم که پاسخ دادن به چنین مردمی در پیشگاه داور الهی به مراتب سخت‌تر از بی‌توجهی به آرمان‌ها، اعتقاد و خواسته‌های آنها خواهد بود.

متن گزارش‌های مربوط به واقعه‌ی سال ۱۳۵۷

در منطقه‌ی کشکوئیه‌ی رفسنجان

منطقه‌ی کشکوئیه از توابع شهرستان رفسنجان در محدوده‌ی (۲۰-۳۰) کیلومتری این شهرستان به طرف تهران قرار دارد. این منطقه به صورت نواری در سمت چپ جاده‌ی اصلی رفسنجان به تهران قرار گرفته و شغل اکثریت قریب به اتفاق مردم این سامان از سال‌ها پیش کشاورزی می‌باشد. کشاورزان تا حدود بیست سال قبل به کشت گندم و جو و تره بار و پسته و دام پروری و... مشغول بودند. با وجودی که محصولات کشاورزی و دامی این منطقه از مرغوب‌ترین محصولات بوده، اما به دلیل کمبود آب و شور شدن آن و مقرون به صرفه نبودن، کشاورزی منطقه به کشت تک محصولی پسته گرایش پیدا کرده است و درآمد سرشار پسته تا چند سال قبل موجب شد تا دانش آموزان توجه چندانی به تحصیلات عالی نکنند. ولی به دلیل تقسیم اراضی و کمبود آب و افت درآمد پسته، اخیراً تمایل به تحصیلات عالی بیشتر شده است.

مردم منطقه صد در صد شیعه‌ی اثنی‌عشری بوده و عموماً متدین و اهل نماز و روزه هستند و درصد قابل توجهی اهل جلسات و وجوهات می‌باشند. رعایت اصول اسلامی مورد توجه



استقبال تظاهرکنندگان رفسنجان از قهرمانان حماسه آفرین کشکویه، سال ۱۳۵۷

روایت اول؛

بسمه تعالی، اینجانب حسین غلامرضازاده، فرزند محمد، محل تولد حجت آباد کشکوییه رفسنجان، سال تولد ۱۳۴۸، در زمان حدوث این واقعه در سن ده سالگی بودم. حاج آقا کرباسی روستای حجت آباد را به عنوان مرکز انتخاب نموده بود. چونکه ایشان در این روستا خانه و باغ داشتند. علاوه بر این حاج آقا محمود فلاحی قبل و بعد از این واقعه، میزبان حاج آقای کرباسی بودند. ایشان یکی از کشاورزان ساکن حجت آباد هستند که هنوز هم الحمدلله در قید حیاتند.

در تاریخ ۱۳۵۷/۴/۲۴ چند تن از طلاب برای دیدن حاج آقای کرباسی به حجت آباد می‌آیند. حاج محمود فلاحی می‌گوید حاج آقا نیستند. در آن سال کشاورزی پربرکتی بود و میوه‌های مرغوبی به عمل آمده بود. طلاب به همراهی حاج محمود فلاحی به باغ آقای فلاحی می‌روند، بعد از ساعتی بر می‌گردند.

اینجانب برای کاری به سمت پایین ده رفته بودم. طلاب را دیدم که وارد ده شدند. من

کرده‌اند و نمی‌دانم چقدر می‌شود و سوادى هم ندارم حدود چهار یا پنج ماه می‌شود و هیچ اطلاعى هم به ما ندادند.

ما با هر سختى و بدبختى خودمان را اداره می‌کنیم. هیچ زمینی، مغازه‌ای و هیچی و هیچ کسی چیزی نه به خودم نه به بچه‌هایم داده‌اند. ما هم همین‌طور داریم می‌سازیم و بچام جبهه رفته و هنوز ترکش در بدن او است. حالا به امید خدا. «والسلام»



ورود مردم قهرمان کاشکونیه از طریق دروازه قرآن به رفسنجان در دوران انقلاب